



## An Analysis of the Social Cleavages in the Zionist Regime and an Explanation of the Process of the Collapse of its Social Structure

Hossein Yousefi<sup>1</sup> | Behzad Ghasemi<sup>2</sup> | Ahmad Zarean<sup>3</sup>

### Abstract

The aim of this article is to examine and analyze the contradictions and divisions within the Zionist society, with a focus on ethnic and religious cleavages and their impact on weakening and making the Zionist regime vulnerable. The heterogeneous society of the Zionist regime consists of diverse ethnic and racial groups such as Ashkenazi, Sephardi, Mizrahi, Russian-origin Jews, Falasha, and Arab citizens of 1948, as well as followers of various religions and denominations including Judaism, Islam, Christianity, Druze, and others. Therefore; This study, by using a descriptive and analytical approach, seeks to answer the fundamental question: At what levels do the societal cleavages in the Zionist society exist, and how do the conflicts and internal fractures—particularly ethnic and religious cleavages—affect the weakening and vulnerability of this regime? It is worth mentioning; this ethnic, racial, religious, and denominational diversity has led to persistent and deep internal divisions within the regime, even after more than seventy years since its establishment. One of the most significant and long-standing cleavages in Zionist society—present since the founding of the regime in 1948 and growing deeper over time—is the polarization between different social groups centered around religion, namely the confrontation between ultra-Orthodox religious groups (Haredim) and the secular citizens of the Zionist society. The findings and results of the research indicate that the heterogeneous nature of the society and the deep social divisions within the Zionist regime—especially ethnic and religious cleavages—have led to its vulnerability and weakening, and ultimately may result in its internal collapse. To support the data, the study attempts to utilize the three-level theory of social cleavages proposed by Manza and Brooks.

**Keywords:** Social Cleavages, Ethnic and Religious Cleavages, Zionist Regime, Vulnerability.

1. Corresponding Author: PhD student in Regional Studies, Faculty of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. E-mail: h.youseffi@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Geopolitics, Faculty of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor of Regional Studies, Faculty of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

DOR: 0000000000000





## خوانشی از شکاف‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی و تبیین فرایند فروپاشی ساخت اجتماعی

حسین یوسفی<sup>۱</sup> | بهزاد قاسمی<sup>۲</sup> | احمد زارعان<sup>۳</sup>

دوره

سال

فصل سال

صص: ۱۱-۰۰۰

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۰/۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۰/۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۰/۰۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۰/۰۰

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷  
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



### چکیده

هدف مقاله حاضر وضعیت شناسی و تبیین تضادها و گسست‌های جامعه صهیونیستی با تأکید بر شکاف‌های قومی و مذهبی و تأثیر آنها بر تضعیف و آسیب پذیری رژیم صهیونیستی می‌باشد. جامعه ناهمگن رژیم صهیونیستی از گروه‌های متنوع قومی - نژادی همچون اشکنازی، سفاردی، میزراحی، روس تبار، فلاشا و عرب‌های ۴۸ و همچنین ادیان و مذاهب مختلف از جمله یهودی، مسلمان، مسیحی، دروزی و غیره تشکیل شده است. از این رو؛ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که: میزان شکاف‌ها در جامعه صهیونیستی در چه سطوحی قرار دارند و اینکه تضادها و گسست‌های جامعه مذکور، بخصوص شکاف‌های قومی و مذهبی چه تأثیری بر تضعیف و آسیب پذیری این رژیم دارند؟. گفتنی است؛ چندگانگی قومی، نژادی، دینی و مذهبی رژیم صهیونیستی؛ موجب شده تا با وجود گذشت بیش از هفتاد سال، این رژیم همچنان با شکاف‌های متعدد و عمیق داخلی مواجه باشد. از مهم‌ترین گسست‌های موجود در جامعه صهیونیستی که از زمان شکل‌گیری آن در سال ۱۹۴۸ تاکنون وجود دارد و روز به روز عمیق‌تر می‌شود، صف‌بندی گروه‌های مختلف اجتماعی با محوریت دین یا به عبارت دیگر تقابل گروه‌های دیندار افراطی (حریدی) با شهروندان سکولار جامعه صهیونیستی است. یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که جامعه ناهمگن و شکاف‌های عمیق اجتماعی موجود در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی به ویژه شکاف‌های قومی و مذهبی، منجر به آسیب‌پذیری و تضعیف این رژیم شده و در نهایت فروپاشی آن را از درون در پی خواهد داشت. برای اثبات داده‌ها نیز تلاش شده تا از نظریه سه سطحی شکاف‌های اجتماعی منزا و بروکر بهره گرفته شود.

**کلید واژه‌ها:** شکاف‌های اجتماعی، شکاف‌های قومی و مذهبی، رژیم صهیونیستی، آسیب پذیری.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

E-mail: h.youseffi@gmail.com

۲. دانشیار گروه ژئوپلیتیک، پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۳. استادیار مطالعات منطقه‌ای، پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

DOR: 0000000000000



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

برخلاف تصویرسازی رسانه‌های غربی - صهیونیستی از ساختار دموکراتیک رژیم صهیونیستی، جامعه این رژیم با گردآوری یهودیان در قالب موج‌های مهاجرتی به ویژه طی چهار دهه اول تأسیس، از اقصی نقاط جهان به فلسطین اشغالی، به شکل امروری درآمده است. جامعه ناهمگن اسرائیل از گروه‌های قومی اشکنازی (یهودیان اروپایی)، سفاردی (یهودیان اسپانیایی)، میزراحی (یهودیان خاورمیانه و آسیای مرکزی) و گروه‌های نژادی روس تبار، فلاشا (یهودیان اتیوپی) و فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و همچنین ادیان مختلفی از جمله؛ یهودیت، اسلام، مسیحیت، دروزی و غیره تشکیل شده است. یهودیان رژیم صهیونیستی از منظر مذهب نیز به دو دسته کلی یهودی افراطی (حریدی) و سکولار تقسیم می‌شوند. چندگانگی قومی - نژادی و دینی - مذهبی موجب شده است تا با وجود گذشت بیش از هفتاد سال، این رژیم همچنان با شکاف‌های متعدد و عمیق همراه بوده که در شرایط کنونی خود را در قالب اعتراضات مکرر نشان می‌دهد.

رژیم صهیونیستی، موجودیتی است که بنا بر ماهیت جعلی و اشغالگر آن، رویکردهای امنیتی متفاوتی از دیگر بازیگران منطقه دارد و از زمان تأسیس (۱۹۴۸) تاکنون، همواره با مسائل امنیتی درگیر بوده و به هر پدیده و تحولی به چشم تهدید می‌نگرد؛ چراکه در هستی‌شناسی صهیونیست‌ها، این رژیم همیشه در یک احساس ناامنی دائمی زیست می‌کند. رژیم صهیونیستی، بزرگ‌ترین هدف خود در حوزه سیاست امنیتی را، تثبیت موجودیت، حفظ و گسترش تمامیت ارضی در سایه مقابله با تهدیدات بالقوه و بالفعل در عرصه امنیتی تعریف کرده است. بر همین اساس، عنصر امنیت در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نقشی اساسی و کلیدی در ادامه حیات این رژیم ایفا می‌کند.

وضعیت نابسامان رژیم صهیونیستی در حوزه داخلی در پی وجود مشکلات متعدد از جمله گسست‌های عمیق اجتماعی با تأکید بر شکاف‌های قومی - نژادی، دینی - مذهبی و غیره؛ امنیت این رژیم را با چالشی جدی مواجه کرده است. از این‌رو، رژیم صهیونیستی با ایجاد بحران در سطح منطقه و حتی بین‌الملل به دنبال پنهان کردن زوایای نقاط آسیب‌پذیری خود می‌باشد. عمق این شکاف‌ها به حدی می‌باشد که مقامات این رژیم نیز به آن اذعان دارند. «تامیر پاردو»<sup>۱</sup> رئیس سابق موساد تأکید می‌-

<sup>۱</sup> Tamir Pardo

کند: «احتمال وقوع جنگ داخلی در سرزمین‌های اشغالی به دلیل اختلافات گسترده و جناح‌بندی‌های داخلی بعید نیست. ما باید بیش از آنکه نگران تهدیدات خارجی باشیم، باید نگران تهدیدات داخلی باشیم؛ چرا که وقتی جامعه‌ای درگیر اختلافات داخلی شد و آن اختلافات هم از حد معین گذشت، در آن صورت می‌توان جنگ داخلی را احتمال داد.» (Haaretz, 2016)

«بنی گانتز»<sup>۱</sup> رئیس سابق ستاد کل نیروهای مسلح نیز طی کنفرانسی در مرکز مطالعات واشنگتن ضمن برشمردن چالش‌های اصلی پیش روی رژیم صهیونیستی، به مشکلات داخلی این رژیم پرداخته و بیان می‌کند: «این مهم است که در عین درک تنوع اسرائیل، نفی افراط‌گرایی و احترام به مکاتب فکری سنت‌گرا و لیبرال، به دنبال وحدت باشیم.» (Washington Institute, 2023)

اندیشکده‌های این رژیم نیز، از جمله مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) در برآوردهای راهبردی سالانه خود به چالش‌ها و شکاف‌های اجتماعی موجود و اثرات منفی آن بر امنیت ملی اسرائیل پرداخته و تأکید می‌کند: جامعه اسرائیل ناهمگن و چند قطبی می‌باشد. از جمله شکاف‌های موجود در اسرائیل می‌توان به کاهش اعتماد عمومی به رهبری، تعمیق شکاف بین فرقه‌ها و قومیت‌های مختلف در جامعه اسرائیل، کاهش میزان همبستگی و هویت عامه مردم با دولت و یکدیگر و غیره اشاره نمود. (Burn, & Kurz, 2021: p77)

جامعه ناهمگون رژیم صهیونیستی دارای شکاف‌های عمیقی در بخش‌های خود است. البته این پدیده‌ی جدیدی نیست؛ اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر تشدید شده و تجلی خشونت آمیزتری به خود گرفته است. این بحران به رادیکالیزه شدن گفت‌وگو و از بین رفتن اعتماد عمومی به نهادهای دولتی دامن می‌زند. در نتیجه به تاب‌آوری اجتماعی که بر پایه انسجام، اعتماد اجتماعی و حکومت عادلانه و مؤثر استوار است، آسیب مستقیم می‌رساند. آسیب به تاب‌آوری اجتماعی به معنای آسیب رساندن به امنیت ملی با توجه به بحران‌های داخلی و خارجی است. (Hayman, et al, 2023: p70)

با توجه به مطالب مذکور، پرسش پژوهش حاضر عبارت است از: میزان شکاف‌ها در جامعه صهیونیستی در چه سطوحی قرار دارند و اینکه تضادها و گسست‌های جامعه مذکور، بخصوص شکاف‌های قومی و مذهبی چه تأثیری بر تضعیف و آسیب‌پذیری این رژیم دارند؟

<sup>۱</sup> Benjamin Gantz

فرضیه پژوهش پیش‌رو نیز چنین است: جامعه ناهمگن و شکاف‌های عمیق اجتماعی موجود در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی بخصوص شکاف‌های قومی- نژادی و دینی- مذهبی، منجر به آسیب‌پذیری و تضعیف این رژیم شده و در نهایت فروپاشی آن را از درون در پی خواهد داشت. بدون تردید شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که ماهیت، امنیت و منافع حیاتی صهیونیست‌ها را تهدید می‌کنند، از اولویت اساسی برخوردار می‌باشند. این دسته از تهدیدات که به دلیل گستردگی و عمق پیامدها به «تهدیدات راهبردی» موسومند، می‌توانند موجودیت پوشالی این رژیم را با خطر جدی مواجه نمایند؛ موضوعی که از طرف دست‌اندرکاران رژیم به صورت جدی مدنظر قرار گرفته و منجر به اتخاذ تصمیمات بزرگ و تغییر راهبرد آنها در مقابل تهدیدات داخلی گردیده، که نشان از اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع دارد. پژوهش‌های بسیاری در خصوص گسست‌های درونی رژیم صهیونیستی و چالش‌های پیش‌روی این رژیم به نگارش درآمده است؛ اما کمتر پژوهشی بطور بنیادین به ابعاد آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی در پی تضادهای گسترده قومی و مذهبی پرداخته است.

در پژوهش حاضر تبیین تأثیر تضادها و شکاف‌های اجتماعی با تأکید بر شکاف‌های قومی و مذهبی موجود در جامعه صهیونیستی بر تضعیف و آسیب‌پذیری این رژیم و همچنین واکاوی چالش‌های بنیادین درونی رژیم صهیونیستی که منجر به دستیابی به پنجره شکست رژیم صهیونیستی خواهد شد، به عنوان یک مسئله مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش پیش‌رو از حیث هدف بنیادی بوده و از روش کیفی از نوع توصیفی- تحلیلی استفاده نموده است. هدف از آن نیز، وضعیت‌شناسی و بررسی تضادهای موجود در جامعه صهیونیستی و همچنین تأثیر آنها بر آسیب‌پذیری این رژیم منحوس می‌باشد.

## ادبیات نظری

مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر عموماً برای اشاره به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری مورد استفاده قرار گرفته که در جریان مبارزات انتخاباتی مشاهده شده است. اما ریشه فکری این مفهوم با توجه به زمینه‌های جامعه‌شناختی آن، به جامعه‌شناسی کلاسیک باز می‌گردد.

(Manza & Brooks, 1999: p32)

با وقوع انقلاب‌های ملی و صنعتی در غرب که در نتیجه آن تمایزات و تعارضات اجتماعی جلوه‌ای جدید یافت، جامعه‌شناسان کلاسیک کوشیدند این تعارضات و تضادها را با نظریه‌ای موسوم به شکاف‌های اجتماعی تشریح و تبیین نمایند. عام‌ترین شکاف نزد این جامعه‌شناسان تضاد زندگی سنتی و مدرن بود. بر همین اساس پیشگامان جامعه‌شناسی یعنی کسانی همچون مارکس، وبر، پارسونز و دیگران نظریات خود را در خصوص این دو شکاف عمده در زندگی جدید انسان غربی سازماندهی کرده‌اند. با پیشرفت علوم و فن‌آوری و با پیچیده شدن زندگی اجتماعی نظریه شکاف‌های اجتماعی نیز دچار دگرگونی شده و متناسب با تعارضات جدید مورد استفاده نظریه پردازان قرار گرفته است.

در برداشت‌های جدید از شکاف‌های اجتماعی، هر تضاد و تقابلی را که در بطن جامعه وجود دارد، نمی‌توان شکاف اجتماعی نامید. برای اینکه تضادی در جامعه واجد عنوان شکاف شود، باید پایدار و ماندگار و همچنین ساختاری باشد؛ یعنی موجب گسست، صف‌بندی و گروه‌بندی در ساختار جامعه شود و نوعی عدم تعادل و توازن را در بافت جامعه موجب شود. به عبارت بهتر، شکاف‌های اجتماعی آن دسته از تقابلهای اجتماعی قابل اطلاق است که نه تنها موجب صف‌بندی و گسست در جامعه شود، بلکه همچنین نزدیک شدن گروه‌ها و ائتلاف بین آنها را اگر نگوییم غیر ممکن، به شدت دشوار سازد. (Mahmoodi, 2008: 22) مصادیق عینی چنین صف‌بندی‌هایی را می‌توان در جامعه ناهمگون صهیونیستی مشاهده نمود.

موضوع شکاف‌های اجتماعی تاکنون در میان اندیشمندان، بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در این زمینه تقسیم‌بندی‌های گوناگونی انجام شده، به طوری که برخی از دانشمندان، شکاف‌های اجتماعی را به فعال، غیرفعال، ساختاری و تاریخی تقسیم می‌کنند و برخی دیگر آنها را به شکاف‌های متقاطع یا حداقلی، متراکم یا حداکثری و شکاف‌های متخاصم تقسیم‌بندی می‌کنند. (Bashiriyeh, 2013: 56)

شکاف‌ها در جامعه تا زمانی که در کانون منازعات سیاسی قرار نگرفته باشند غیر فعال تلقی شده و از نظر سیاسی اهمیت چندانی نخواهند داشت. از حیث سیاسی، شکاف‌های اجتماعی تنها زمانی اهمیت می‌یابند که منافع سیاسی نخبگان، احزاب و جنبش‌ها را از اهمیت سیاسی و نمادین برخوردار سازند و سازماندهی در پیرامون آنها شکل بگیرد. (Newton and Deth, 2011: 272)

در واقع مسئله زمانی پدیدار می‌شود که شکاف‌های اجتماعی بر هم بار شده، به اصطلاح متراکم می‌شوند؛ اما آنچه که جامعه را به ورطه نزاع‌های زیان‌بار یا به اصطلاح رادیکالیسم سوق می‌دهد، شکاف‌های متخاصم است. شکاف‌های تخصصی که ناشی از اختلاف بر سر موضوعات هویتی اعتقادی و ایدئولوژیک هستند. به دلیل آنکه طرفین درگیر، حفظ منافع یا موجودیت خود را در گرو حذف طرف دیگر می‌بیند؛ در نتیجه نزاع در بالاترین درجه خود صورت می‌پذیرد. (Tajik, 2004: 202)

در این نوشتار از الگوی سه سطحی «منزا و بروکز»<sup>۱</sup> در خصوص وقوع شکاف‌های اجتماعی بهره گرفته شده است:

**سطح اول، ساخت اجتماعی:** شکاف‌های اجتماعی ریشه در ساخت اجتماعی یک جامعه معین دارند. به دلیل آنکه ساخت اجتماعی به آرامی تغییر می‌کند، شکاف‌های اجتماعی هم در صورت ثبات ساخت اجتماعی با دوام خواهند بود. تقسیمات درون ساختی اجتماعی باعث ایجاد گروه‌های از مردم می‌شود که منافع و منزلت‌های مشترک دارند. منزا و بروکز چند دسته از شکاف‌های اجتماعی را مهم می‌دانند که عبارتند از: شکاف‌های دینی، طبقاتی، قومی، زبانی و جنسیتی که همه اینها در تقسیم بندی شکاف‌های تاریخی قرار می‌گیرند. آنچه امروزه بیشتر در سرزمین‌های اشغالی مشکل‌ساز شده است، به شکل شکاف‌های قومی - نژادی (اقوام و نژادهای گوناگون) و مذهبی (حریدی و سکولار) بروز کرده است.

**سطح دوم، ستیز و هویت‌یابی گروهی:** این سطح، عرصه ظهور شکاف‌های سطح قبل است. در این عرصه، اعضاء گروه خود را در ستیز با دیگران تعریف می‌کنند. هویت‌یابی گروهی شرط لازم برای تبدیل تقسیمات ساخت اجتماعی به شکاف اجتماعی است. بدون تشخیص قلمروهای گروهی، نابرابری‌های اجتماعی، فرصت و مجال ظهور در منازعات سیاسی یعنی در سطح نهادی و سازمانی را نخواهند داشت.

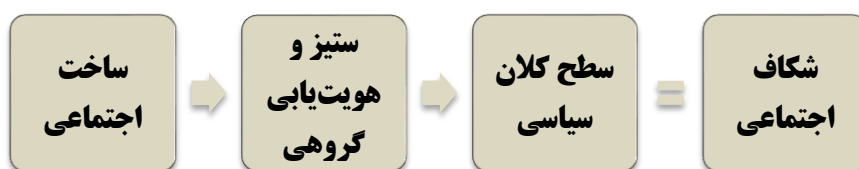
**سطح سوم، سطح کلان سیاسی:** این سطح مبین سومین شرط پیدایش یک شکاف اجتماعی است؛ زیرا احزاب سیاسی یا جنبش‌های اجتماعی که معرف این سطح به حساب می‌آیند، آشکارا برخاسته از ستیزهای ساخت اجتماعی می‌باشند و ابزارهایی برای بسیج بخش‌هایی از جمعیت برای

<sup>1</sup> Manza & Brooks

اقدامات سیاسی قلمداد می‌شوند. طبیعتاً مؤلفه‌های این بخش برحسب میزان و نوع نظام سیاسی هر جامعه متفاوت خواهد بود. (Bashiriyeh and Ghazian, 2001: 65)

الگوی سه سطحی منزا و بروکز ابزاری تحلیلی در اختیار محقق قرار می‌دهد که با استفاده از آن می‌توان وضعیت شکاف‌های اجتماعی در یک جامعه را سنجید. در این خصوص رژیم صهیونیستی وضعیت ویژه‌ای دارد. سر برآوردن گروه‌های مختلف قومی- نژادی و رادیکال مذهبی در این رژیم که مهمترین آنها یهودیان ارتدوکس افراطی یا همان حریدی‌ها می‌باشند، با استفاده از این الگوی سه سطحی قابل بررسی است.

چالش‌های بسیاری در سرزمین‌های اشغالی وجود دارد که در میان آنها، چالش یهودیان مذهبی و سکولار یکی از عمیق‌ترین شکاف‌های جامعه اسرائیل است که بررسی وضعیت کنونی نقش آن در ارتباط میان جامعه و حکومت حیاتی است. از این‌رو، با بهره‌گیری از الگوی سه سطحی ساخت اجتماعی، ستیز و هویت‌یابی اجتماعی و سطح کلان سیاسی در نظریه شکاف‌های اجتماعی منزا و بروکز، در سطح اول به چالش‌های گوناگون موجود در جامعه صهیونیستی اشاره گردیده است. در سطح دوم سیر صف‌بندی گروه‌های اجتماعی با محوریت دین، مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً در سطح سوم به نقص بنیادین سیاسی رژیم در پی فقدان برخورداری از قانون اساسی به منظور صیانت از حقوق شهروندی پرداخته شده است.



شکل ۱. مدل ترسیمی شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی بر اساس مدل منزا و بروکز

## پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت نظری و کاربردی موضوع تضعیف و آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشند:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

| ردیف | نویسنده/ نویسندگان                      | عنوان پژوهش   | مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش  |
|------|---|---|---|
| ۱    | اصغر افتخاری و محمد مهدی سلیمانی (۱۴۰۰) | تأثیر تهدیدات سیاسی-امنیتی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی       | نویسندگان شکنندگی ساختار درونی رژیم صهیونیستی را از منظری جدید و با تأکید بر افزایش توانمندی محور مقاومت بررسی کرده‌اند. طبق این پژوهش، با شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت و افزایش توان و به تبع آن افزایش تهدید این محور، آسیب‌پذیری و شکاف‌های سیاسی-اجتماعی رژیم در طی زمان بیشتر و گسترده‌تر شده است. در سطح آسیب‌های ساخت اجتماعی، تهدید نظامی محور مقاومت توانسته تعارض میان دین‌داران و سکولارها را در جامعه مهاجر فلسطین اشغالی تقویت کرده و از طرف دیگر اعراب ساکن مرزهای ۱۹۴۸ نیز در نتیجه شکاف طبقاتی موجود با مقاومت همراهی بیشتری نماید. |
| ۲    | وحیده احمدی (۱۳۹۹)                      | نقش افراط‌گرایان در چالش‌های داخلی رژیم صهیونیستی                         | نویسنده در پژوهش خود چالش‌های ایجاد شده توسط افراط‌گرایان را چنین عنوان می‌نماید: اختلال در هویت‌سازی ملی، جرم‌های ایدئولوژیکی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی، قانون شکنی، اعتبار زدایی از نهادهای امنیتی، قضایی و سیاسی و بی-ثبات سازی ائتلاف‌ها؛ مهمترین چالش‌هایی بوده است که افراط‌گرایان راست سستی و جدید برای ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی ایجاد کرده‌اند.   |
| ۳    | محمد پاکدامن (۱۳۹۹)                     | اسرائیل؛ ادامه یا خاتمه: واکاوی گسست‌های درونی بحران‌زا در رژیم صهیونیستی | نویسنده به ابعاد دولت می‌پردازد. وی معتقد است: دولت در اندیشه سیاسی، دستگاه سیاسی متمرکزی می‌باشد که انحصار استفاده مشروع از اجبار و زور را   |

|  |                                |                             |          |
|--|--------------------------------|-----------------------------|----------|
| <p>درون یک قلمرو جغرافیایی معین برای یک ملت خاص داراست. این دولت برای اینکه بتواند نقشی پویا و مانا در مناسبات داخلی و بین‌المللی ایفا کند، نیاز به مشروعیت دارد. دولت‌ها معمولاً مشروعیت خود را از ملت خود که طی قرون و اعصار مختلف به صورت طبیعی در کنار یکدیگر زیسته‌اند و از طریق یک روند قانونی که تا حد زیادی مورد اجماع داخلی می باشد، به دست می‌آورند. بنابراین وجود ملتی منسجم و قانونی مشروع، شرط مشروعیت هر دولت است. بر این اساس ایده دولت یهود و تشکیل ملتی از یهودیان پراکنده در اقصی نقاط دنیا، که هر یک قومیت و فرهنگ خاص خود را داشته‌اند، از ریشه با مبانی دولت‌سازی مغایرت داشت و طبیعی بود چنین دولتی که به صورت مصنوعی و آن هم با ابزار زور سرزمین ملتی دیگر را غصب کرده است، علاوه بر آنکه با مشکل مشروعیت مواجه می‌شود، با بحران‌های اجتماعی و شکاف‌های جمعیتی زیادی در داخل مواجه می‌باشد.</p> |                                |                             |          |
| <p>نویسنده در کتاب خود به دین، مناسک و نگرش یهودیان می‌پردازد و بر حوزه‌هایی از زندگی یهودی متمرکز می‌شود. در زندگی یهودیان چیز چندانی درباره هنجارهای اخلاقی مشترک در میان افراد جوامع غربی جدید نمی‌توان یافت. البته تردیدی نیست که تفاوت میان رویکرد یهودیان با رویکرد غیر یهودیان نسبت به</p>  | <p>باورها و آیین های یهودی</p> | <p>آلن آترمن<br/>(۱۳۹۸)</p> | <p>۴</p> |

|  |                              |                                  |          |
|--|------------------------------|----------------------------------|----------|
| <p>اموری مانند: پذیرایی، نیکوکاری، دلسوزی، راستی و پاسخگویی در برابر هم‌نوعان تفاوتی ظریف است. نزد یهودیان سستی و اصیل هنجارهای اخلاقی بخشی از آیین‌های دینی است و کتاب مقدس و نوشته‌های یهودی بعدی نیز به اندازه وجدان در آن تعیین کننده‌اند.</p>   |                              |                                  |          |
| <p>نویسنده به نقش مذهب در جوامع سستی با تمرکز بر رژیم صهیونیستی پرداخته است. وی مذهب را از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان بویژه دورکیم به عنوان عامل همبستگی اجتماعی معرفی می‌نماید. دورکیم خدای ادیان را همان جامعه و تقدس احکام او را نشانگر حساسیت جوامع سستی به حفظ انسجام و وحدت خود دانسته است. براساس این نظریه، روند مدرنیزاسیون، نقش مذهب و احکام آن را به عنوان عامل همبستگی اجتماعی بی‌رنگ کرده و به جای همبستگی اجتماعی مبتنی بر آیین و اخلاق مذهبی، نوعی همبستگی اجتماعی مبتنی بر ضرورت کار اجتماعی را پدید آورده است که اخلاقیات خاص خود را تولید می‌کند. بنابراین در جوامع مدرن، مذهب نقش خود را در ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی از دست داده و این به معنای آن است که مذهب از عرصه حیات جمعی به زوایای زندگی خصوصی رانده شده است و این همان چیزی است که به آن سکولاریزم می‌گویند. مذهب در یک جامعه سستی</p> | <p>دین و دولت در اسرائیل</p> | <p>احمد زید آبادی<br/>(۱۳۸۱)</p> | <p>۵</p> |

|   |  |  |  |
|---|--|--|--|
| <p>کارکردی اساسی در ایجاد انسجام اجتماعی دارد، اما در یک جامعه مدرن به مفهوم غربی آن این کار ویژه ابتدا به صورت عامل تنش‌زای اجتماعی در می‌آید و در نهایت نقش مذهب از عامل وحدت بخش و مشروعیت بخش دولت به حوزه علایق فردی تنزل می‌یابد.</p> |  |  |  |
|---|--|--|--|

همانطور که عنوان گردید پژوهش‌های بسیاری در خصوص گسست‌های درونی رژیم صهیونیستی و چالش‌های پیش روی این رژیم به نگارش درآمده است. اما کمتر پژوهشی بطور بنیادین و با بهره‌گیری از نظریه‌های علمی به ابعاد آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی با تأکید بر تضادهای گسترده قومی و مذهبی پرداخته است. پژوهش حاضر به طور نظری و گفتمانی و همچنین مصادیق عینی و به روز جامعه صهیونیستی به تأثیر شکاف‌های قومی و مذهبی موجود بر آسیب‌پذیری و تضعیف این رژیم می‌پردازد.

## یافته‌های پژوهش

### بررسی سطوح سه گانه شکاف‌های جامعه صهیونیستی

جامعه ناهمگن رژیم صهیونیستی در سطوح مختلف درگیر شکاف‌های عمیق و بنیادینی می‌باشد که منجر به بی‌ثباتی این رژیم شده است.

### سطح اول؛ ساخت اجتماعی: چالش‌های موجود در جامعه صهیونیستی

وجود تنوع قومی- نژادی و دینی- مذهبی در بین جمعیت یهودیان جهان به دلیل برخورداری از فرهنگ و آداب خاص، به علاوه تبعیضات طبقاتی، اقتصادی و گفتمان‌های متفاوت سیاسی باعث ایجاد مرزبندی و اختلافات نهان و آشکاری در بین جوامع یهودی به ویژه میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی گردیده است.

در ذیل به تقسیم‌بندی پنج گانه‌ای از چالش‌های قومی- نژادی، دینی- مذهبی، شکاف‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه صهیونیستی پرداخته می‌شود:

## نوع قومی- نژادی

رژیم صهیونیستی از گروه‌های متنوع قومی - نژادی همچون اشکنازی، سفاردی، میزراحی، روس تبار، فلاشا و عرب‌های ۴۸ تشکیل شده است.

**اشکنازی؛** اصطلاحاً به گروهی از یهودیان اروپایی متعلق به آلمان، فرانسه و اروپای شرقی اطلاق می‌شود. واژه اشکناز در زبان عبری بر سرزمین آلمان دلالت دارد. یهودیان آمریکا که از مهاجران یهودی طی سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ تشکیل شده نیز اشکنازی می‌باشند. جمعیت کلی آنها در سراسر جهان به ادعای منابع صهیونیستی بیش از ده میلیون نفر تخمین زده می‌شود که حدود ۳۲٪ از جمعیت رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. (The Hebrew University, 2013)

**سفاردی؛** به یهودیانی گفته می‌شود که نسل آن‌ها به جامعه یهودی بومی شبه جزیره ایبری در ابتدای هزاره دوم میلادی می‌رسد. واژه سفاراد در زبان عبری امروزی به معنی اسپانیا می‌باشد. در اواخر قرن پانزدهم میلادی در پی تصمیمات حاکمان مسیحی آن زمان؛ عده‌ای از آنها کشته شدند، عده‌ای بالاجبار به مسیحیت تغییر دین دادند و تنها گروهی باقی ماندند که به سرزمین دیگری چون اسرائیل، ترکیه، بلغارستان و یونان مهاجرت کردند. (Amin, 2006)

سفاردی‌ها در گذشته از اشراف یهود بوده و همواره سعی در حفظ فاصله خود با اشکنازی‌ها داشته‌اند، لکن پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، اشکنازی‌ها مناصب و جایگاه‌های بالاتری را اشغال نموده و این امر اختلافات میان آنها را تشدید کرده و موجب بروز نظام طبقاتی و تا حد زیادی شکاف فرهنگی و مذهبی در بین آنها گردیده است.

**میزراحی؛** پراکندگی جمعیت این دسته از یهودیان، مناطق غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز را در بر می‌گیرد به همین دلیل به آنان مشرقیون یا فرزندان مشرق نیز گفته می‌شود که در کشورهای با اکثریت مسلمان زندگی می‌کنند. یهودیان عراق، سوریه، کویت، گرجستان، یمن، پاکستان و افغانستان در دسته میزراحی‌ها قرار می‌گیرند. (Solomin, 2023)

گفتنی است؛ دولت رژیم صهیونیستی معمولاً هنگام انتشار آمار سفاردی‌ها و میزراحی‌ها، تعداد آنها را در قالب یک گروه اعلام می‌کند که مجموع آنها حدوداً ۴۰ الی ۴۵٪ از جامعه رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. (Graizbord, 2023)

**فلاشا؛** از گروه‌هایی که از سوی ریاست خاخام‌ها در رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته نمی‌شوند، یهودیان اتیوپی (فلاشا) هستند. جمعیت این گروه حدود ۱۶۸/۸۰۰ نفر معادل ۲٪ از جامعه رژیم صهیونیستی می‌باشد. (CBS, 2023b) کلمه فلاشا به زبان جغری که یکی از زبان‌های محلی اتیوپی است، به معنای «مهاجر تبعیدی» است. اسرائیل این گروه‌ها را در دهه هشتاد و اوایل دهه نود به اسرائیل منتقل کرد. از آغاز انتقال یهودیان اتیوپیایی به اسرائیل، رئیس خاخام‌ها به دلیل انزوای آنها در طول قرون متمادی از متن جامعه و فرهنگ یهود و بی‌اطلاعی آنان از تلمود، در یهودی بودن حقیقی فلاشا تردید کرد و حتی صحت ازدواج و طلاق آنان با تردید مواجه شد. از این رو ریاست خاخام‌ها از آنان خواست که به دین یهود ارتدوکس درآیند تا به عنوان یهودی به رسمیت شناخته شوند. (Al-Hadi, 2007)

**روس تبار؛** یهودیان روس تبار از گروه‌های بزرگی هستند که در پایان قرن بیستم، به اسرائیل کوچ کردند. در حال حاضر جمعیت این گروه حدود ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر معادل ۱۵٪ از جامعه رژیم صهیونیستی می‌باشد. (CBS, 2023c) با گذشت زمان مشخص شد که بسیاری آنها یهودی نیستند. بر اساس گزارش نهادهای خاخامی حدود نیمی از آنها غیریهودی بوده و دارای مذهب مسیحی هستند. بسیاری از مهاجران روس به شریعت یهود اعتقاد ندارند و خود را از دو جهت یهودی می‌دانند: یکی از جهت مقایسه با عرب‌های فلسطینی و دیگری از جهت شناسنامه. (Al-Hadi, 2007)

**عرب‌های ۴۸؛** گروه پر شماری از مردم فلسطین هستند که در سال ۱۹۴۸، پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی؛ برخلاف بسیاری از مردم فلسطین، در همان محدوده‌ای که اسرائیل نام گرفت، باقی ماندند و حاضر نشدند محل زندگی‌شان را ترک کنند. دولت رژیم صهیونیستی این افراد را عرب‌های اسرائیل می‌نامد. آنها حدود ۲۱٪ از جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند و در واقع بزرگ‌ترین اقلیت نژادی در این رژیم می‌باشند. (Robinson, 2023)

### تنوع دینی - مذهبی

جامعه رژیم صهیونیستی همچنین از ادیان و مذاهب مختلف از جمله یهودی، مسلمان، مسیحی، دروزی و غیره تشکیل شده است.

**یهودی؛** یهودیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی ۷۳/۵ درصد جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند (The World Factbook, 2023) که به چهار گروه مذهبی تقسیم می‌شوند:

حریدی (اولترا ارتدوکس): یهودیان حریدی، متعصب‌ترین و افراطی‌ترین گروه یهودیان در فلسطین اشغالی هستند. این گروه، که در خارج از سرزمین‌های اشغالی به یهودیان «اولترا ارتدوکس» مشهورند، خود را معتقدترین گروه به آموزه‌های یهود می‌دانند. نقطه افتراق این گروه با ارتدوکس‌های مدرن، در نوع نگاه به مدرنیته است. در حالی که ارتدوکس‌های مدرن تلاش می‌کنند تا با مظاهر مدرنیسم کنار بیایند، حریدی‌ها بر پابندی کامل به قوانین یهودی و جدا نگاه داشتن خود از جامعه مدرن تأکید می‌نمایند. به دلیل نرخ باروری فوق‌العاده بالای این گروه، تعداد آن‌ها با سرعت بسیار زیادی در حال رشد است. (Esmaeil Zadeh, 2013)

حریدی‌ها بین ۱۲ تا ۱۵٪ جمعیت ساکنان سرزمین‌های اشغالی را تشکیل می‌دهند و معتقدند که باورهایشان برگرفته از کتاب تورات است. ۹۶٪ از حریدی‌ها ادعا دارند مذهب در زندگی آنان اهمیت بسیار بالایی داشته و هویت دینی را بر هویت رژیم صهیونیستی ترجیح می‌دهند. (Sahgal, et al. 2016: p92)

داتی (مذهبی): این گروه از یهودیان نیز وابستگی دینی خود را مقدم بر هویت قومی و اعتقاد به رژیم صهیونیستی می‌دانند. داتی‌ها که گاهی به آنان یهودیان «ارتدوکس مدرن» نیز گفته می‌شود، خود را با ساکنین و یهودیان سرزمین‌های اشغالی بیشتر وقف داده‌اند. به طور مثال داتی‌ها برخلاف حریدی‌ها، تمایلی بیشتری به خدمت در ارتش دارند. آنها همچنین مایل به انجام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند. (Pourhassan and Qureshi, 2022: 72)

داتی‌ها حدود ۱۵٪ جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند. اکثر داتی‌ها خود را حامی حزب سیاسی راست این رژیم معرفی می‌کنند و ۷۱٪ از آنان معتقدند که عرب‌ها باید از سرزمین‌های اشغالی اخراج شوند که این درصد در میان همه گروه‌های یهودی بیشتر است. (Sahgal, et al. 2016: p17)

ماسورتی (ستی): این گروه، متنوع‌ترین ساکنان یهودی سرزمین‌های اشغالی هستند. ماسورتی‌ها دامنه گسترده‌تری از دو گروه یهودیان ارتدوکس و سکولار را به خود اختصاص می‌دهند. ماسورتی‌ها حدود ۳۰٪ جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند. طبق نظرسنجی صورت گرفته، ۳۲٪ از ماسورتی‌ها بر این باورند که مذهب برای آنها بسیار با اهمیت است؛ حدود نیمی از آنها معتقدند که مذهب در زندگی‌شان اهمیت دارد و ۱۶٪ مابقی نیز اهمیت کمتری برای مذهب در زندگی قائل هستند. (Sahgal, et al. 2016: p92)

در حالی که دو گروه از ساکنان یهودی رژیم صهیونیستی اغلب معتقد به اهمیت مذهب در زندگی عمومی هستند، ماسورتی‌ها به طور کلی طیف بسیار متفاوتی را در خود جای داده‌اند. به عنوان مثال اکثریت قاطعی از خریدی‌ها و داتی‌ها معتقد به تعطیلی و عدم تردد با وسایل نقلیه عمومی در روز شنبه هستند و تقریباً ۹۰٪ از یهودیان هیلونی (سکولار) با آن مخالفند؛ ماسورتی‌ها در این رابطه عقیده واحدی ندارند، به طوری که ۴۴٪ از آنان موافق تعطیلی و ۵۲٪ مخالف تعطیلی و مایل به تردد با وسایل نقلیه در این روز می‌باشند. ماسورتی‌ها برخلاف خریدی‌ها و داتی‌ها، از سایر گروه‌های یهودی دوستانی را انتخاب می‌کنند. (Starr & Masci, 2016)

هیلونی (سکولار): تنها گروه یهودی در سرزمین‌های اشغالی هستند که اکثر آنان اعتقاد دارند دموکراسی بر قوانین یهود (هالاخا) ترجیح داشته و هویت به اصطلاح ملی این رژیم بر هویت مذهبی تقدم دارد. در همین حال، عده قابل توجهی از هیلونی‌ها به یهودی بودن خود افتخار می‌کنند و معتقدند که یک دولت یهودی برای بقای یهودیان سرزمین‌های اشغالی، لازم است. هیلونی‌ها بیش از ۴۰٪ جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

عده زیادی از هیلونی‌ها در مراسم آیینی یهود شرکت می‌کنند؛ اما به جنبه سنتی آن بیش از بُعد مذهبی قائل هستند. ۸۳٪ از پیروان هیلونی، بیش از آنکه یهودیت خود را اعتقادی و مذهبی بدانند، آن را شناسنامه‌ای تلقی می‌کنند. هیلونی‌ها بیشترین درصد جمعیت ساکنان فلسطین اشغالی را به خود اختصاص داده‌اند. (Starr & Masci, 2016)

**مسلمان؛** اسلام دومین دین بزرگ در اسرائیل است. بر اساس داده‌های اداره مرکزی آمار اسرائیل در پایان سال ۲۰۲۲، تعداد مسلمانان اسرائیل به حدود ۱/۷۵۰/۰۰۰ نفر یا ۱۹٪ از کل جمعیت رسیده بود. از نظر قومی، اکثر مسلمانان ساکن اسرائیل، عرب و اهل تسنن هستند و عموماً در بخش‌های شمالی اسرائیل و شهر اورشلیم ساکن هستند. (CBS, 2023a)

**مسیحی؛** بر اساس گزارش سالانه اداره مرکزی آمار اسرائیل از جامعه مسیحیان کشور، در پایان سال ۲۰۲۳ میلادی تعداد آنها به ۱۸۷/۹۰۰ نفر رسیده است که حدود ۱/۹٪ جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. ۷۵٪ مسیحیان اسرائیل، عرب‌های مسیحی می‌باشند و عموماً در بخش‌های شمالی اسرائیل و شهر حیفا ساکن هستند. (CBS, 2023a)

**دروزی؛** دروزی اقلیت دینی عرب تباری می‌باشد که تلفیقی از شیعه اسماعیلی و باورهای گنوسی و نوافلاطونی است. جمعیت آنها در سال ۲۰۲۱ بر اساس آمار رسمی مرکز آمار اسرائیل ۱۴۹/۰۰۰ نفر، معادل حدوداً ۱/۵٪ جمعیت کشور بوده است. دروزی‌ها تنها اقلیت غیریهودی اسرائیل هستند که خدمت سربازی اجباری دارند. آنها بیشتر در شمال کشور و در بلندی‌های جولان سکونت دارند. در مقایسه با دیگر عرب‌های اسرائیلی (مسلمان و مسیحی) وفاداری بیشتری به رژیم صهیونیستی دارند و پست‌های شغلی مهمی را در صحنه سیاست و نیروهای نظامی این رژیم به دست آورده‌اند. (CBS, 2023a)

### شکاف فرهنگی

جامعه کنونی رژیم صهیونیستی عمدتاً متشکل از سه گروه قومی - نژادی اشکنازی، سفاردی، میزراحی و اعراب ۴۸ است. به لحاظ موقعیت اجتماعی و درآمدهای مالی و کسب مناصب سیاسی، همواره اشکنازی‌ها در موقعیت بهتری نسبت به سایرین قرار داشته‌اند؛ از این روست که غالب پست‌های کلیدی از زمان شکل‌گیری این رژیم جعلی، همواره از آن یهودیان غرب تبار بوده است. اعراب ساکن در سرزمین‌های ۴۸ نیز همواره پست‌ترین شهروندان جامعه اسرائیل بوده‌اند که از بسیاری حقوق بی بهره‌اند. تصویب قانون شهروندی اسرائیل توسط کنست در سال ۲۰۲۲ نیز خشم و نگرانی شماری از خانواده‌های عرب اسرائیلی را برانگیخت. در حالی که پیش‌تر فلسطینی‌هایی که با عرب‌های شهروند اسرائیل ازدواج می‌کردند، همانند این اعراب، از حق شهروندی و تابعیت و گذرنامه اسرائیلی برخوردار می‌شدند؛ اما در قانون شهروندی جدید تأکید شده است که فلسطینی‌های دارای همسر عرب اسرائیلی، دیگر از این حقوق بهره‌مند نخواهند بود. (Boxerman, 2022)

جامعه فلسطینی در حوزه آموزش نیز با تبعیض‌های شدیدی روبرو است. امکانات بودجه‌ای و آموزشی با توجه به اختلافات زبانی و فرهنگی عرب‌ها و یهودیان متفاوت است. بسیاری از مدارس در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ از پذیرش عرب‌ها خودداری می‌کنند و آنها باید در مدارس مختص خود تحصیل کنند. کیفیت مدارس این گروه از دانش‌آموزان، تفاوت چشمگیری با مدارس دارد که به اکثریت یهودی جامعه اسرائیل خدمات ارائه می‌دهند. مدارس ویژه کودکان عرب فلسطینی، اغلب با مشکلاتی نظیر تراکم بالای دانش‌آموزان، کمبود شدید کادر آموزشی، ساختمان‌های

فرسوده يا غيراستاندارد، نگهداري نامناسب و در برخي موارد؛ فقدان كامل امكانات آموزشي مواجهه‌اند. اين مدارس از نظر زيرساخت‌ها و فرصت‌هاي آموزشي، به مراتب در سطحي پايين‌تر از مدارس قرار دارند كه براي ساير كودكان اسرآييلي فراهم شده‌اند. شهروندان عرب با تبعيض‌هاي ساختاري روبرو هستند. در همه گروه‌هاي سني و در تمامي شاخص‌هاي آموزشي، يك دانش‌آموز عرب در مقايسه با يك دانش‌آموز يهودي حدود ۲۰ درصد بودجه كمترى دريافت مي‌كند. دولت رژيم صهيونيستي دو نظام آموزشي مجزا را اداره مي‌نمايد: يكي مختص كودكان يهودي و ديگري ويژه كودكان عرب فلسطيني. تبعيض نهادينه شده عليه دانش‌آموزان عرب فلسطيني، تمامي ابعاد اين دو نظام آموزشي را تحت الشعاع قرار داده است. مقامات وزارت آموزش رژيم، صراحتاً اذعان داشته‌اند كه سرانه بودجه تخصيصي به هر دانش‌آموز در نظام آموزشي عربي، به مراتب كمتر از ميزان اختصاص يافته به دانش‌آموزان در نظام آموزشي يهودي است. مدارس وابسته به اكثريت يهودي، افزون بر بودجه رسمي، از منابع مالي دولتي و خصوصي تحت حمايت دولت، براي احداث مدارس و اجراي برنامه‌هاي خاص، بهره‌مند مي‌شوند. شكاف ميان اين دو نظام آموزشي، بنا بر تمامي شاخص‌هايي كه از سوي نهادهاي رسمي صهيونيستي مورد سنجش قرار گرفته‌اند، بسيار گسترده و عميق است. (Human Rights Watch, 2025)

يكي ديگر از تبعيضات طبقاتي جامعه صهيونيستي، تبعيض جنسيتي بخصوص در ميان گروه‌هاي قومي يهوديان شرق تبار است. در اين راستا مي‌توان به زنان ميزراحي اشاره نمود كه به دليل پيشينه قومي و اقتصادي‌شان، در اسرآيل با تبعيض سيستماتيكي روبرو هستند. اين تبعيض در دسترسي به مسكن، شغل، خدمات اجتماعي و حمايت‌هاي دولتي مشهود است. بسياري از اين زنان به دليل مختلف (طلاق، فوت يا ترك همسر) مجبور به سرپرستي خانواده به تنهائي هستند، در فقر شديد به سر مي‌برند. دولت اسرآيل با سياست‌هاي سختگيرانه، اين زنان را تحت فشار قرار مي‌دهد تا از كمك‌هاي دولتي محروم شوند يا مجبور به انجام كارهاي طاقت‌فرسا همچون مشاغل خدماتي يا كار در كارخانه‌ها با دستمزد ناچيز گردند. اين زنان مجبورند ساعت‌ها در صف‌هاي طولاني خدمات اداري بايستند و مدام با تحقير و بي‌احترامي كارمندان دولتي مواجه هستند. در واقع آنها روزانه در گير «شكنجه اداري» مي‌باشند كه به معنای تحمیل رنج‌های روانی و مالی از طريق سيستم‌هاي پيچيده و طاقت‌فرسای اداري است. رسانه‌ها و سيستم آموزشي اسرآيل، فرهنگ

اشکنازی را مدرن و پیشرفته و فرهنگ میزراحی را عقب‌مانده معرفی می‌کنند. این نگاه باعث می‌شود زنان میزراحی حتی در صورت تحصیلات عالی، شانس کمتری برای یافتن شغل مناسب داشته باشند. (Lavie, 2018)

### شکاف اقتصادی

تبعیض اقتصادی در میان گروه‌های مختلف جامعه صهیونیستی از جمله اختلافات حائز اهمیت می‌باشد. یهودیان اشکنازی در مقایسه با یهودیان سفاردی و میزراحی از میانگین درآمدی بیشتری برخوردارند و در مشاغل پردرآمد از جمله؛ حوزه فناوری‌های پیشرفته، خدمات مالی و مدیریتی حضور پررنگتری دارند. در عوض سفاردی‌ها و میزراحی‌ها و یهودیان اتیوپیایی بیشتر در مشاغل کارگری و خدماتی مشغول هستند. اعراب ۴۸ پایین‌ترین سطح درآمد را دارند و نرخ فقر در میان آنها بسیار بالاست. متوسط درآمد آنها حدود ۴۰٪ کمتر از یهودیان است. برخی از علل این تبعیض عبارتند از: تبعیض در استخدام؛ چراکه بسیاری از شرکت‌ها ترجیح می‌دهند کارکنان یهودی استخدام کنند. دسترسی محدود به آموزش باکیفیت؛ مدارس عرب زبان اغلب از بودجه کمتری برخوردارند. کاهش سرمایه‌گذاری رژیم در مناطق محروم عرب‌نشین؛ که منجر به تداوم چرخه فقر شده است. (Haberfeld & Cohen, 2007)

بنیامین نتانیاهو بودجه عمومی جامعه خریدی را به درخواست احزاب راست افراطی همچون شاس و اتحاد یهودیت تورات افزایش قابل ملاحظه‌ای داد. در پی انتشار این اخبار، یهودیان سکولار اعتراض خود را به این نحوه بودجه‌بندی اعلام کردند. آن‌ها بر این باورند این یک بودجه دولتی نیست، بلکه غارت دسته‌جمعی است که اقتصاد اسرائیل را برای نسل‌های آینده نابود خواهد کرد. وزارت دارایی پول را بین افراد نزدیک به دولت توزیع می‌کند و این کار گامی بزرگ برای تبدیل اسرائیل به دیکتاتوری است. واقعیت این است که یهودیان سکولار ۶ برابر یهودیان خریدی مالیات می‌پردازند و خریدی‌ها تنها مسئول پرداخت ۲ درصد از کل مالیات بر درآمد دولت هستند؛ در حالی که بیش از ۷ درصد خانوارهای اسرائیلی را تشکیل می‌دهند. (Hosseini, 2024)

زنان نیز در جامعه صهیونیستی به طور متوسط ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر از مردان درآمد دارند. حتی با کنترل متغیرهایی مانند تحصیلات، سابقه کاری و حوزه شغلی؛ این شکاف به حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد می‌رسد که نشان دهنده تبعیض سیستماتیک است. شکاف جنسیتی در مشاغل با درآمد

بالا مانند حوزه فناوری های پیشرفته، بیشتر است؛ درحالیکه در بخش های عمومی و خدمات اجتماعی، این اختلاف کمتر دیده می شود.

از دهه ۱۹۹۰، اسرائیل شاهد کاهش سهم نیروی کار از درآمد ملی و افزایش سود شرکت ها بوده است. سیاست های نئولیبرالی از جمله؛ کاهش مالیات بر ثروتمندان، خصوصی سازی و تضعیف اتحادیه های کارگری، نقش شکاف را پررنگ تر کرده است. از طرفی نیز رشد بخش فناوری (های تک) گرچه به رشد اقتصادی کمک کرده، اما بیشتر به نفع گروه های پردرآمدی چون اشکنازی ها بوده است. (Haberfeld & Cohen, 2007)

### شکاف سیاسی

یکی از اصلی ترین گسل های اجتماعی رژیم صهیونیستی، تفاوت در گفتمان سیاسی، بخصوص میان یهودیان خریدی با سکولارهاست. روند تحولات در سال های اخیر نشان می دهد، این پدیده می تواند ثبات سیاسی رژیم صهیونیستی را به دو طریق تهدید نماید: اول با تضعیف مشروعیت سیاسی؛ زیرا این دو گروه در بحث مبانی مشروعیت دولت اسرائیل باهم اختلاف دیدگاه جدی دارند. دوم با انتقال اختلافات فی مابین از صحنه اجتماعی به صحنه سیاسی.

اختلافات سکولارها و خریدی ها، چنان شدید است که در میان احزاب سیاسی رژیم نیز بروز و ظهور دارد. نماینده سکولارها، احزاب راست میانه از جمله «اسرائیل بیتنو» به رهبری لیبرمن و همچنین احزاب چپ گرا مانند «یش عتید» به رهبری لاپید هستند. درحالی که سکولارها خواهان کاهش نقش دستورات دینی در روند زندگی اجتماعی هستند، احزاب راست گرای تندرو همچون «شاس» به رهبری آریه مخلوف درعی، «اتحاد یهودیت تورات» به رهبری یاکوب لیترمن و «صهیونیسم مذهبی» به رهبری اسموتریچ درصدد هستند تا اصول دین یهود و قوانین تورات را در جامعه پیاده سازند. (Saeedi, 2022)

اعطای اعتبار قانونی به ازدواج های مدنی و خارج از نهاد دین، مخالفت با قانون «دولت-ملت یهود» مصوب سال ۲۰۱۶، مخالفت با اعطای معافیت سربازی به جوانان خریدی، مخالفت با تعطیلی کار و فعالیت در روزهای شبات (شنبه) و همچنین مخالفت با تخصیص کمک های مالی دولتی به مدارس مذهبی (یشیوا) که در آن فقط دروس دینی تدریس می شود، از جمله مطالبات سکولارهاست که باعث شده آن ها را در مقابل یهودیان جناح راست تندرو قرار دهد. (Hosseini, 2024)

در این میان مصوبات کابینه‌های متعدد نتانیا‌هو از سال ۲۰۰۹ تاکنون، موجب شده تا این تقابل تشدید شود تا جایی که اختلاف بر سر موضوعات مذکور باعث شد جامعه صهیونیستی از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ پنج انتخابات زودهنگام برگزار نماید. دلیل اصلی این بن‌بست سیاسی اعتراض آویگدور لیبرمن، رئیس حزب سکولار اسرائیل بیتنو با امتیازاتی بود که نتانیا‌هو به احزاب تندرو جناح راست اعطا می‌کرد. لیبرمن در اواخر سال ۲۰۱۸ از ائتلاف با حزب لیکود خارج شد و در نتیجه نتانیا‌هو را مجبور به برگزاری انتخابات زودهنگام کرد. از آن زمان تا اکتبر ۲۰۲۲، دلیل اصلی تکرار انتخابات‌ها عدم همراهی حزب اسرائیل بیتنو و شخص لیبرمن با جناح راست بود. لیبرمن تأکید داشت به دلیل امتیازات تبعیض آمیزی که به خریدی‌ها داده می‌شود، دیگر هرگز با احزاب راست گرا ائتلاف نمی‌کند. (Hosseini, 2024)

وجود تنوع قومی - نژادی و دینی - مذهبی و همچنین چالش‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه صهیونیستی که برخی از نمونه‌های عینی آنها مطرح گردید، منجر به بروز اختلافات و اعتراضاتی در بین جوامع یهودی شده است.

### سطح دوم؛ ستیز و هویت‌یابی گروهی

هویت جنبش، ساخته عناصری است که جنبش در مخالفت با آنها شکل گرفته است. جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های رادیکال معمولاً برای معرفی هویت خویش به اهداف و آرمان‌هایی چنگ می‌زنند که از زمره ارزش‌های مطلق و مورد قبول همگان یا بخش زیادی از جامعه است. به طوریکه معمولاً گروه‌های رادیکال قومی دم از استقلال، برابری و برادری و گروه‌های رادیکال یا جنبش‌های مذهبی دم از اجرای درست و دقیق شریعت می‌زنند. (Shahriari and Jazaei, 2015: 92) در سطح دوم که در شکل‌گیری شکاف نقش حیاتی دارد باید بر دگرستیزی، برای کسب هویت یک جنبش تأکید کرد. در حقیقت در این سطح، شکاف‌های سطح ساخت اجتماعی فعال شده و گروه‌های متفاوت قومی یا مذهبی در جامعه روبه روی یکدیگر قرار می‌گیرند. در همین راستا نیز می‌توان به اهداف و ابزارهای متفاوت این گروه‌ها اشاره کرد.

چالش‌هایی که امروزه در روابط رژیم صهیونیستی با جوامع یهودی کشورهای دیگر، علی‌الخصوص عمده یهودیان آمریکایی که سکولار هستند و نیز در روابط میان مذهبی‌ها و سکولارها در درون مرزهای اشغالی دیده می‌شود، ناشی از نوعی بدعت در دین یهود می‌باشد که با تأسیس رژیم

صهیونیستی گذاشته شده است؛ یعنی بیش از آنکه پیرو گفتمان مذهبی‌ها مبنی بر بدعت بودن تشکیل حکومت در دوران غیبت ماشیح باشد، حول ایجاد تغییرات ماهوی در عقاید سبک زندگی و ارزش‌های ماهوی یهودیان بر اثر زیست در دولت سکولار اسرائیل است. همان‌طور که در اعلامیه استقلال رژیم صهیونیستی دیده می‌شود، اسرائیل به عنوان کشور یهودیان و نه کشور دین یهود تأسیس شد. یهودیان مؤسس اسرائیل که عمدتاً مذهبی نبودند، کمابیش می‌دانستند دین یهود چگونه است؛ اما تصویری از اینکه دولت یهودی چگونه می‌بایست باشد، نداشتند و همین منشأ اختلاف‌ها بر سر چگونگی حکمرانی و بایدها و نبایدهای آن در حال حاضر است؛ چراکه این تعدد آراء که ناشی از تفاوت برداشت‌ها از دین بود، بروندهای متفاوتی را در عرصه حکومت داری عرضه می‌داشت.

هر کدام از گروه‌های اجتماعی قرائت خود را از یهودیت صحیح می‌دانند و بر اساس این اعتقاد، خود را یک یهودی اصیل به شمار می‌آورد. آنچه از آن تحت عنوان ماهیت یهودیت اسرائیلی نام برده می‌شود، مولود تقابل دائمی دو فرایند دین‌زدایی و مذهبی کردن است. همین فرایند عامل ایجاد اختلاف قرائت‌های بسیار متفاوت در نگرش به دین و رابطه حکومت با آن شده است. اساسی‌ترین چالش‌هایی که میان یهودیان افراطی حریدی و سکولارها در جامعه دو قطبی رژیم صهیونیستی وجود دارد، عبارتند از:

### هویت‌یابی بر اساس چالش مذهبی

قوانین فردی از جمله ازدواج، طلاق و غیره در رژیم صهیونیستی بر اساس قوانین مذهبی یهودی می‌باشد. بنابراین افرادی که به عنوان یهودی به رسمیت شناخته نشده‌اند مانند مهاجران روس تبار و نیز افرادی که مجاز به ازدواج نیستند مثل زنان مطلقه، از این حقوق محرومند. تعارض قوانین در مورد افرادی که یهودی محسوب نمی‌شوند اما تحت قانون «عالیا» (مهاجرت به اسرائیل)، اجازه مهاجرت به اسرائیل به علت عضویت در یک خانواده یهودی را دارند، سبب شده تا حدود ۳۵۰ هزار نفر وارد اسرائیل شوند که از لحاظ هالاخا، یهودی محسوب نمی‌شوند. این افراد نه می‌توانند با فردی یهودی ازدواج کنند و نه کسی حق دارد با آنها وصلت نماید. ضمن آنکه حقوق دیگری مثل گرفتن فرزند خوانده نیز از آنها سلب می‌شود. تنها راهی که برای این افراد می‌ماند، تهوید دوباره است که می‌بایست تحت نظر نهاد خاخامی و بر اساس هالاخا صورت گیرد. حال

آنکه این کار تبعات دشواری را به بار می‌آورد مثل اینکه می‌بایست خود را در معرض معاینه قرار دهند و فرزندان‌شان را به مدارس دینی که سطح علمی بسیار پایینی دارند، بفرستند. حال آنکه بسیاری با مشاهده سرنوشت مبهم یهودیان ارتدوکس به شدت مخالف تحصیل فرزندان‌شان در مدارس دینی هستند. (Skolnik & Berenbaum, 2007: 550-556)

از دیگر موارد چالش برانگیز که ابعاد مذهبی دارد؛ قوانین کشورت به معنای غذاهای حلال در دین یهود است. این قوانین برای گروه‌های اجتماعی مختلفی مشکل ساز بوده است. چنانکه گوشت خوک مورد علاقه بسیاری از یهودیان سکولار اشکنازی است؛ این افراد در کشورهای مبدأ به میزان بسیار زیادی از فراورده‌های تهیه شده از این حیوانات حرام گوشت استفاده می‌کردند و پس از ورود به اسرائیل با ممنوعیت نهادهای خاخامی مواجه شدند. از دیگر موارد حرام گوشت که در رژیم‌های غذایی و سنت‌های کشورهای مبدأ یهودیان مهاجر معمول بود می‌توان به شتر، شتر مرغ، کوسه ماهی، ماهی خاویار، گربه ماهی و صدف خوراکی است که همگی در اسرائیل ممنوع هستند. علاوه بر ممنوعیت غذاهایی مورد علاقه سکولارها، قوانین نظارتی شدیدی بر مراکز تهیه و توزیع غذا اعمال می‌شود؛ قوانینی که علاوه بر مواد خوراکی بر فرایند تهیه غذا نیز نظارت می‌کند. برای مثال شیر و گوشت با یکدیگر سرو نشوند و یا در ظرفی که پیش‌تر شیر تهیه شده است، گوشت گذاشته نشود. به طور خلاصه قوانین کشورت در سه حوزه مداخله می‌کنند:

- نظارت بر مواد اولیه و حرام یا حلال بودن موادی که غذا از آن تهیه می‌شود؛

- نظارت بر فرایند آماده سازی مواد اولیه و ذبح شرعی؛

- نظارت بر لوازم تهیه غذا مثلاً عدم تماس گوشت و شیر. (Skolnik & Berenbaum,

2007: 550-556)

این قوانین برای سکولارهای اسرائیلی بسیار دست و پاگیر است. مضاف بر اینکه در صورتی که صاحب رستورانی بخواهد مجوزهای کشورت را تهیه کند، می‌بایست امتیازها و رشوه‌های خاصی را به معدود مراکز خاخامی صادر کننده ارائه دهد. بنابراین علاوه بر قوانین و سختگیری‌ها، تبدیل شدن مجوز به دکانی برای به دست آوردن سود و تسویه حساب‌های درونی مراکز هالاخایی، خشم سکولارها را برانگیخته است.

## هویت‌یابی بر اساس چالش اقتصادی

نیمی از جمعیت خریدی زیر ۱۴ سال هستند و نیروهای مولد آینده را باید تشکیل دهند. اما به دلایل مختلف معیشتی، تحصیلاتی و فرهنگی، استانداردهای لازم برای ورود مؤثر به بازار کار را ندارند. با توجه به اینکه ۵۶٪ این افراد زیر خط فقر هستند، مشکلات اقتصادی-اجتماعی فراوانی برای این رژیم ایجاد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که بزرگترین مانع بر سر راه پیشرفت اسرائیل محسوب می‌شوند. چنانکه بانک مرکزی اسرائیل، خریدی‌ها را مهمترین مانع پیشرفت اقتصاد این رژیم معرفی می‌کند. (Lintl, 2020: p29)

با توجه به بالا بودن آمار رشد جمعیت در میان این افراد، وجود فقر فزاینده میان آنان، مشکلات اجتماعی بسیاری را به دنبال خواهد داشت که مهمترین آن را می‌توان بیکاری قشر جوان خریدی دانست. بنابراین سیاست فقر زدایی از این افراد از اهمیت بسزایی برخوردار است. مضاف بر آنکه بخش‌هایی از این گروه به این نتیجه رسیده‌اند که سیستم آموزشی سنتی مبتنی بر متون مقدس آنان را بیگانه از فضای بازار کار بار می‌آورد، چراکه در متون درسی این مدارس دینی خبری از دروس غیر دینی مثل ریاضیات و زبان انگلیسی نیست. بنابراین تعداد افرادی که قصد دارند برای کسب مدرک دانشگاهی ادامه تحصیل دهند تا از بند فقر رهایی یابند؛ از جمله زنان، افزایش یافته است.

علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، سیاست فقر زدایی موفقیت‌آمیز نبوده است. در توضیح علل ناکارآمدی سیاست‌های فقر زدایی می‌توان دو دلیل را عنوان نمود: نخست آنکه خریدی‌ها کمتر از افراد عادی کار می‌کنند؛ چنانکه میزان ساعت کاری خریدی‌ها به اندازه ۸۰٪ غیر خریدی‌ها است. چراکه به عنوان نمونه خریدی‌ها در روزهای شنبه کار نمی‌کنند. دوم آنکه مزد ساعت کاری آنها ۷۰٪ غیر خریدی‌ها بوده که حاکی از بدبینی کارفرمایان نسبت به این افراد و کم کردن حقوقشان است. (Rosner & Fuchs, 2019: p48)

علاوه بر اقدامات حکومتی برای اصلاح زندگی خریدی‌ها، تلاش‌هایی از درون جبهه خریدی برای اصلاح درون سازمانی نیز صورت گرفته است. همین اقدامات که ناشی از نوعی گرایش‌ات اصلاح طلبانه در درون خریدی‌ها بود، علاوه بر برونداد اقتصادی که تأسیس شرکت‌ها و استارت آپ‌ها بود؛ تأثیرات بنیادین فرهنگی و اجتماعی بر این گروه را به دنبال داشت که همچنان در حال

گسترش است. این گرایش‌ها خصوصاً به علت فقر گسترده میان خریدی‌ها در حال تکوین است. خریدی‌های جوانی که فاقد علقه‌های مذهبی والدینشان به علت فقر و فرایندهای دین زدایی بودند، اندک اندک به کسب علوم غیردینی مثل زبان‌های خارجی و علوم مهندسی که پیش‌تر در میان خریدی‌ها کفر آمیز خوانده می‌شد، روی آوردند. (Pakdaman, 2019: 47)

به طور کلی با توجه به برخورداری جامعه خریدی از اقتصاد ضعیف در رژیم صهیونیستی که به دلیل آداب و قوانین حاکم بر زندگی آنهاست که در نهایت منجر به تحمیل محدودیت‌ها و چالش‌هایی به جامعه صهیونیستی می‌شود؛ خشم و نارضایتی گروه‌های دیگر از جمله سکولارها را در پی داشته است.

### هویت‌یابی بر اساس چالش خدمت سربازی

خدمت سربازی برای همه شهروندان رژیم صهیونیستی اجباری است. بر اساس قانون ارتش این رژیم و تا پیش از تحولات هفت اکتبر طول مدت سربازی برای مردان ۳۲ ماه و برای زنان ۲۴ ماه بود. (IDF, 2024) اما با افزایش درگیری‌های رژیم صهیونیستی در جبهه‌های مختلف جنگ و مواجهه با کمبود نیروی انسانی در پی تلفات روز افزون سربازان این رژیم، سرانجام کنست در ماه جولای ۲۰۲۴، مدت خدمت اجباری مردان را به ۳۶ ماه افزایش داد. این قانون به مدت ۵ سال تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۹ اجرا خواهد شد و در صورت عادی شدن شرایط مجدداً به مدت زمان قبل باز خواهد گشت. (Knesset News, 2024) بر اساس قوانین ارتش رژیم صهیونیستی گروه‌هایی همچون عرب‌ها (به جز دروزی‌ها)، یهودیان خریدی که در یشیواها به مطالعه تورات می‌پردازند و برخی افرادی که مشکلات جسمی و روحی دارند از خدمت سربازی معافند. (IDF, 2024)

مسئله خدمت سربازی یکی از اصلی‌ترین درگیری‌های شکاف سکولار - خریدی است. سکولارها که ملزم به گذراندن خدمت سربازی هستند، عدم حضور خریدی‌ها در فعالیت‌های نظامی را بر نمی‌تابند. این درگیری تاریخچه‌ای طولانی دارد و سنگ بنای تقابل‌های دو جناح مذهبی و غیرمذهبی را تشکیل می‌دهد. چنانکه حزب سیاسی خاخامی اگودت اسرائیل، در جریان دیدار با بن‌گوریون در پاسخ به سخن وی مبنی بر اینکه «سربازان غیردینی اسرائیل برای سرزمین می‌جنگند»، پاسخ می‌دهد: «ما هم با خواندن تورات می‌جنگیم و پیروزی‌های سربازان در جنگ مرهون تورات خواندن‌های ماست.» (Pakdaman, 2019: 52)

محصلین مدارس دینی خریدی معتقدند که از طریق تحصیلات خود درگیر یک جنگ معنوی هستند، نقشی که مکمل سربازان واقعی ارتش رژیم صهیونیستی است. رهبران خریدی، عدم عضویت خود را با این ادعا که اقدامات و مطالعات دینی آنها در یاشیواها مستقیماً به پیروزی‌های بزرگ این رژیم در جنگ کمک کرده است، توجیه می‌کنند. (Politzer, 2010: p48)

بنابراین مسئله سربازی خریدی‌ها از زمان توافق‌نامه حفظ وضع موجود میان بن‌گوریون، خاخام فیشمن و اسحاق گرینویم در سال ۱۹۴۷ تاکنون، مرکز تضادها در اسرائیل بوده است. این تضادها و اعتراضات، هرازگاهی پرننگ می‌شوند و علاوه بر کمپین‌های سیاسی به خشونت خیابانی می‌رسد. تأثیر بالای این تضاد در عرصه سیاسی، در انتخابات سال ۲۰۱۹ کنست بروز پیدا نمود؛ چنانکه آویگدور لیبرمن نوک پیکان انتقاد خویش را متوجه معافیت خریدی‌ها کرده و در نهایت موجب فروپاشی دولت ائتلافی شد که رژیم صهیونیستی را به برگزاری دور دوم انتخابات سوق داد. (Pakdaman, 2019: 53)

بنیانگذاران این رژیم، با معافیت تعداد مشخصی از محصلین مدارس دینی خریدی از خدمت سربازی، موافقت کردند تا بتوانند تمام توان و انرژی خود را صرف احیای سنت‌های مذهبی خریدی افراطی ارتدوکس نمایند که تقریباً توسط هولوکاست از بین رفته بود. اما علت اصلی اتخاذ این تصمیم، همراه ساختن و جلوگیری از مخالفت قاطعانه رهبران خریدی با مفهوم دولت اسرائیل، بود. بنابراین، سیاست معافیت سربازی محصلین مدارس دینی خریدی به عنوان روشی برای پیشگیری و کاهش تعارض، نهادینه شد. (Politzer, 2010: p11)

در این سطح نیز شاهد بروز و ظهور هر چه بیشتر اختلافات و شکاف‌ها میان گروه‌های مختلف جامعه صهیونیستی بویژه خریدی‌ها و سکولارها و صف‌بندی آنها در مقابل هم بودیم.

### سطح سوم؛ سطح کلان سیاسی

سومین سطح در ایجاد شکاف‌های اجتماعی، سطح کلان یا همان نظام سیاسی است. در این راستا می‌توان به نقش دولت رژیم صهیونیستی در سوق یافتن گروه‌های مخالف به سمت رادیکالیسم اشاره کرد. این رژیم از بدو شکل‌گیری در سال ۱۹۴۸ دچار مشکلات عدیده‌ای در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است، به طوری که این مشکلات با سرعت زیاد بر ساخت‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته‌اند و روز به روز بر دامنه اختلافات اجتماعی آن افزوده

شده است. از اساسی‌ترین مشکلاتی که در دولت صهیونیستی وجود دارد و باعث شده تا شکاف‌های اجتماعی آن عمیق‌تر گردند؛ نداشتن قانون اساسی مدون به منظور تعیین حدود و حمایت از حقوق شهروندی گروه‌های مختلف جامعه است.

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به انتقال قدرت و اجرای آن است. (Ghazi Shariat Panahi, 2019: 39) به طور کلی قواعدی که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی است، از نظر ماهوی قانون اساسی نامیده می‌شود. (Katouzian, 2011: 210)

رژیم صهیونیستی علی‌رغم ادعای حامیان غربی خود که این رژیم را تنها دموکراسی خاورمیانه می‌دانند، فاقد نخستین عنصر مقوم هر رژیم دموکراتیک، یعنی قانون اساسی است. بیش از گذشت ۷۰ سال از استقرار این رژیم، هنوز فاقد یک قانون اساسی مدون و رسمی است. یعنی نداشتن حداقل چیزی که برای هر حاکمیت سیاسی ضروری و لازم است. در رژیم صهیونیستی متنی واحد با عنوان «قانون اساسی» وجود ندارد و آنچه در این رژیم، قانون اساسی نامیده می‌شود؛ مجموعه‌ای از قوانین مربوط به حوزه‌های مختلف است؛ نه قانون اساسی که از سال ۱۹۴۸ میلادی تا به امروز وعده تدوین آن داده می‌شود ولی هنوز تدوین نشده است. (Abdi, 2018)

در اعلامیه تأسیس دولت رژیم صهیونیستی، برای رعایت مفاد قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، چنین آمده است: دولت اسرائیل، برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی را برای تمامی سکنه خود صرف‌نظر از دین، نژاد و جنسیت تضمین و آزادی دین، وجدان، زبان، تحصیل و فرهنگ را تأمین خواهد کرد و از اماکن مقدسه برای همه ادیان صیانت خواهد نمود و به اصول مندرج در منشور سازمان ملل وفادار خواهد بود. (Israel Ministry of Foreign Affairs, 2024)

تناقض میان هویت یهودی و دموکراتیک رژیم صهیونیستی با همین اعلامیه آغاز شد. اعلامیه فوق از سویی برای تأسیس دولت یهود صادر شده و از سوی دیگر، برای مراعات قطعنامه سازمان ملل؛ مدعی ایجاد جامعه دموکراتیک و تأمین آزادی‌های مدنی برای همه شهروندان است. از همان زمان، خاخام‌ها و احزاب و قاطبه یهودیان ارتدوکس، که در ترکیب گردانندگان دولت رژیم صهیونیستی اقتداری کمتر از یهودیان سکولار نداشتند، مخالفت خود را با قانونی که اقتدار دولت

را فراتر از اقتدار متون دینی و تلمودی قرار دهد اعلام کردند. دولت صهیونیستی در بدو تأسیس همزمان با صدور اعلامیه؛ وعده داد که به زودی، قبل از اول اکتبر ۱۹۴۸، قانون اساسی رژیم صهیونیستی را تدوین خواهد کرد. این وعده تا به امروز تحقق نیافته است. در ۲۵ ژانویه ۱۹۴۹ اولین پارلمان رژیم صهیونیستی، که کنست اول نامیده می‌شود، آغاز به کار کرد. اولین کنست پس از بحث‌های فراوان، نتوانست در زمینه تدوین قانون اساسی به نتیجه برسد. (Abdi, 2018)

در سال ۲۰۰۶، استیون مازی استاد علوم سیاسی و نویسنده کتاب «قانون اساسی اسرائیل: دین و لیبرال دمکراسی در دولت یهود»، مقارن با انتشار کتاب چالش برانگیز خود، در این باره در روزنامه نیویورک تایمز چنین نوشت: «قریب به شش دهه پس از تأسیس رژیم صهیونیستی، اعضای پارلمان جدید می‌کوشند کار تدوین پیش‌نویس قانون اساسی را تکمیل کنند. بزرگ‌ترین چالش آن‌ها ایجاد انسجام میان هویت دوگانه رژیم صهیونیستی است؛ دولتی که می‌خواهد هم یهودی باشد هم دمکراتیک.» متن پیش‌نویس نه هزار صفحه‌ای قانون اساسی رژیم صهیونیستی، سرشار از تناقضات است. این متن با مخالفت‌های فراوان هم در پارلمان و هم در جامعه خاخامی مواجه شده است. احزاب مذهبی اعتراض می‌کنند که این پیش‌نویس، انحصار جامعه خاخام‌ها را در امور ازدواج و طلاق و تدفین یهودیان رژیم صهیونیستی نادیده گرفته است. هواداران آزادی‌های مدنی نیز معترضند که پیش‌نویس مذکور، فاقد تصویری روشن برای از میان بردن این انحصار و پایان دادن به کاسبی خاخام‌ها در این امور است. (Mazie, 2006)

به طور کلی عدم وجود قانون اساسی مدون در رژیم صهیونیستی باعث شده تا گروه‌های مختلف جامعه نتوانند از حقوق شهروندی خود برخوردار شوند و صف‌بندی آنها علیه یکدیگر گسترده شده و ضعف ساختار سیاسی دولت را مسبب تعمیق این شکاف‌ها بدانند که نهایتاً نارضایتی‌ها و اعتراضات مردمی علیه دولت صهیونیستی منجر به گسیل معترضان به خیابان‌ها و وقوع تظاهرات‌های خشونت‌آمیز علیه سیاست‌های اشتباه دولت شده است. در واقع شکاف‌های عمیق اجتماعی در این سطح کاملاً آشکار گردیده است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش ضمن بررسی و تحلیل شکاف‌های اجتماعی موجود در رژیم صهیونیستی، به طور خاص به واکاوی شکاف‌های قومی و مذهبی جامعه صهیونیستی با هدف پاسخ به این پرسش که میزان شکاف‌ها در جامعه صهیونیستی در چه سطوحی قرار دارند و اینکه تضادها و گسست‌های جامعه مذکور، بخصوص شکاف‌های قومی و مذهبی چه تأثیری بر تضعیف و آسیب‌پذیری این رژیم دارند؟، پرداخته شد. برای تحلیل بهتر موضوع نیز، تلاش شد تا از نظریه سه سطحی شکاف‌های اجتماعی منزا و بروکز استفاده شود.

بر اساس این الگو، در سطح اول یعنی ساخت اجتماعی؛ چالش‌های موجود در سرزمین‌های اشغالی به ویژه تنوع جمعیتی با تأکید بر دو شکاف قومی و مذهبی به عنوان مهم‌ترین شکاف‌های موجود در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که هر دو شکاف جزء شکاف‌های تاریخی و در سطح بالای این کشور محسوب می‌شوند. شکاف‌های عمیقی که پدیده‌ی جدیدی نیستند؛ اما طی سال‌های اخیر تشدید شده و تجلی خشونت آمیزتری به خود گرفته‌اند. شایان ذکر است که وضعیت نابسامان و گسست‌های رژیم صهیونیستی در عرصه داخلی، امنیت این رژیم را با چالشی جدی مواجه کرده و در واقع از جمله نقاط آسیب‌پذیر اسرائیل می‌باشند.

در سطح دوم یعنی ستیز و هویت‌یابی گروهی نیز به صف‌بندی گروه‌های اجتماعی با محوریت دین پرداخته شد. در واقع نزاع میان دینداران افراطی یا حریدی با شهروندان سکولار جامعه صهیونیستی در تمام سطوح زندگی آنها از مسائل ابتدایی همچون تردد در روزهای شنبه گرفته تا مسائل مهم‌تری چون ازدواج و طلاق مشاهده می‌شود که هر کدام از این گروه‌ها به مقابله و صف‌بندی در برابر یکدیگر پرداخته‌اند.

در سومین سطح بر اساس الگوی منزا و بروکز که سطح کلان سیاسی می‌باشد نیز به نقص بنیادین دولت رژیم صهیونیستی مبنی بر فقدان برخورداری از قانون اساسی مدون و در نتیجه عدم وجود تضمینی برای صیانت از حقوق شهروندی گروه‌های مختلف قومی و مذهبی اشاره شد که

این موضوع خواستگاه بروز نارضایتی‌ها و اعتراضات مردمی علیه دولت صهیونیستی و نهایتاً گسیل معترضان به خیابان‌ها و وقوع تظاهرات‌های خشونت‌آمیز علیه سیاست‌های اشتباه دولت شده است. همانطور که در این پژوهش نیز بیان گردید؛ بدون تردید شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که ماهیت، امنیت و منافع حیاتی صهیونیست‌ها را تهدید می‌نمایند، از اولویت اساسی برخوردار است. این دسته از تهدیدات که به دلیل گستردگی و عمق پیامدها به تهدیدات راهبردی موسومند، می‌توانند موجودیت پوشالی این رژیم را با خطرات جدی مواجه نمایند. بر اساس مطلب و مستندات مطرح شده در پژوهش حاضر، چنین تهدیدات راهبردی‌ای را می‌توان در عمق شکاف‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی که در سطوح بالایی قرار دارند، مشاهده نمود. با توجه به وضعیت‌شناسی سطوح مختلف شکاف‌های اجتماعی در رژیم صهیونیستی می‌توان نتیجه گرفت که میزان و عمق این شکاف‌ها در سطوح مختلف جامعه خیلی زیاد می‌باشند که پیامدهایی برای رژیم صهیونیستی از جمله؛ تضعیف و آسیب‌پذیری آن را در پی خواهند داشت.

جدول شماره ۲. وضعیت‌شناسی سطوح شکاف‌های اجتماعی رژیم صهیونیستی (منبع: نگارندگان)

| شکاف اجتماعی | سطح اول   | سطح دوم   | سطح سوم   |
|--------------|-----------|-----------|-----------|
| قومی - نژادی | خیلی زیاد | خیلی زیاد | خیلی زیاد |
| دینی - مذهبی | خیلی زیاد | خیلی زیاد | خیلی زیاد |
| فرهنگی       | خیلی زیاد | زیاد      | زیاد      |
| اقتصادی      | خیلی زیاد | خیلی زیاد | زیاد      |
| سیاسی        | خیلی زیاد | خیلی زیاد | زیاد      |

در پایان این نوشتار، با توجه به اهمیت شناخت و آشنایی هرچه بیشتر کارشناسان و محققین این حوزه و همچنین ضرورت اتخاذ تصمیمات مناسب و انجام اقدامات مقتضی توسط مراجع ذی‌ربط در رابطه با موضوع مورد بحث پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذکر می‌گردد:

- تشکیل میزهای کارشناسی و برگزاری همایش‌های تخصصی مرتبط، با دعوت از کارشناسان، صاحب‌نظران و پیش‌کسوتان داخلی و خارجی حوزه مربوطه؛

- فراخوان مقاله بصورت حضوری و مجازی در خصوص موضوع مربوطه از سراسر دنیا حتی صاحب نظران در سرزمین‌های اشغالی؛
- ساخت سریال و مستندات تلویزیونی و همچنین تولید محتوی در فضای مجازی برای مخاطبین داخلی و خارجی با هدف آشنایی هرچه بیشتر مردم جهان با جامعه متزلزل رژیم صهیونیستی؛
- طراحی و اجرای عملیات روانی از طریق شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب در سرزمین‌های اشغالی با هدف تشدید اختلافات و تنش‌ها میان جریان‌ها و طیف‌های مختلف یهودیان رژیم صهیونیستی.

## References

- Abdi, A. (2018). The End of the Kyria: A Study of the Causes of the Zionist Regime's Failure to Sustain by 2040. Center for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=41456>
- Ahmadi, V. (2019). The Role of Extremists in the Internal Challenges of the Zionist Regime. *Strategic Studies Quarterly*, No. 89, Fall 2019.
- Al-Hadi, J. (2007). A Study of Unofficial Jewish Sects in Israel: Unofficial Jews. *Pegah Hawza Journal: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary*, No. 218. Retrieved from: <https://ensani.ir/fa/article/63750/>
- Amin, N. (2016). Ladino, the language and culture of the Jews facing extinction, Persian page of the Times of Israel website. Retrieved from: <https://fablogs.timesofisrael.com/>
- Bashirieh, H. (2013). *Political Sociology, The Role of Social Forces in Political Life*. Tehran: Ney Publishing House.
- Bashirieh, H. & Ghazian, H. (2000). Analytical study of the concept of social gaps. *Journal of Humanities*, Tehran: Shahid Beheshti University, No. 30.
- Bartolini, S. & Mair, P. (2007). *Identity, competition and electoral availability*, London: Cambridge University Press.
- Boxerman, A. (2022). *New Citizenship Law*. Times of Israel.
- Burn, I. & Kurz, A. (2021). *Strategic Survey for Israel 2021*, The Institute for National Security Studies (INSS).
- Central Bureau of Statistics (CBS) (2023a). *Population by Religion and Religiosity*. Retrieved January 18, 2024 from Israel Central Bureau of Statistics web site: <https://www.cbs.gov.il/en/subjects/Pages/Population-by-Religion-and-Population-Group.aspx>
- Central Bureau of Statistics (CBS) (2023b). *The Population of Ethiopian Origin in Israel*. Retrieved August 10, 2025 from Israel Central Bureau of Statistics web site: [https://www.cbs.gov.il/he/mediarelease/DocLib/2023/362/11\\_23\\_362e.pdf](https://www.cbs.gov.il/he/mediarelease/DocLib/2023/362/11_23_362e.pdf)
- Central Bureau of Statistics (CBS) (2023c). *Immigration to Israel 2023*. Retrieved August 10, 2025 from Israel Central Bureau of Statistics web site: <https://www.cbs.gov.il/en/mediarelease/Pages/2024/Immigration-to-Israel-2023.aspx>
- Eftekhari, A. & Soleimani, M. M. (2021). The impact of political-security threats centered on the resistance on the vulnerability of the Zionist regime, *Security Horizons Scientific Journal*, No. 53, Winter 2021.
- Esmail Zadeh, E. (2013). *The Gap Between Religious and Secular Currents in Israel*. Tabi'in Strategic Think Tank. Retrieved from: <http://tabyincenter.ir/14630/>
- Ghazi Shariat Panahi, S. A. (2019). *The Essentials of Basic Rights*. Tehran: Mizan Publications. 58th edition.
- Graizbord, D. L. (2023). *Israel's mosaic of Jewish ethnic groups is key to understanding the country*. The conversation. Retrieved August 15, 2025 from The conversation web site: <https://theconversation.com/israels-mosaic-of-jewish-ethnic-groups-is-key-to-understanding-the-country-217893>
- Haaretz, (2016). *Israel Greatest Threat*. Retrieved December 8, 2023 from Haaretz web site: <https://www.haaretz.com/israel-news/2016-08-31/ty-article/.premium/former-mossad-chief-israels-greatest-threat-is-internal-division/0000017f-f441-d887-a7ff-fce50faa0000>
- Haberfeld, Y. & Cohen, Y. (2007). Gender, ethnic, and national earnings gaps in Israel: The role of rising inequality. *Social Science Research*. Volume 36, Issue 2, June 2007, Pages 654-672.

- Hayman, T., Yavne, R. & Kurz, A. (2023). Strategic Survey for Israel 2023, The Institute for National Security Studies (INSS).
- Human Rights Watch (2021). A Threshold Crossed: Israeli Authorities and the Crimes of Apartheid.
- Hosseini, N. (2024). A Fractured Society; The Gaps in Israeli Society. Center for Contemporary World Studies.
- Human Rights Watch, (2025). Discrimination against Palestinian Arab Children in Israel's Schools. Retrieved May 15, 2025 from Human Rights Watch web site: <https://www.hrw.org/reports/2001/israel2/ISRAEL0901-01.htm>
- IDF (2024). Our Soldiers. Retrieved April 19, 2024 from IDF web site: <https://www.idf.il/en/mini-sites/our-soldiers/>
- Israel Ministry of Foreign Affairs, (2024). The Declaration of the Establishment of the State of Israel. Retrieved March 29, 2024 from Gov.il web site: <https://www.gov.il/en/departments/general/declaration-of-establishment-state-of-israel>
- Katouzian, N. (2011). Philosophy of Law, Joint Stock Publishing Company, Volume 2, 4th Edition.
- Khazzoom, A. (2003). The Great Chain of Orientalism: Jewish Identity, Stigma Management, and Ethnic Exclusion in Israel. American Sociological Review.
- Knesset News, (2024). Approved in first reading: Extension of compulsory military service for men to 36 months, until 2029. Retrieved August 4, 2025 from knesset web site: <https://main.knesset.gov.il/en/news/pressreleases/pages/press18724r.aspx>
- Lavie, S. (2018). Wrapped in the Flag of Israel: Mizrahi Single Mothers and Bureaucratic Torture. University of Nebraska Press.
- Lintl, P. (2020). The Haredim as a challenge for the Jewish state, German institute for international and security affairs.
- Mahmoudi, E. (1999). Formation of Social Gaps in Iran during the Pahlavi Era. Tehran: Imam Sadeq Publications.
- Manza, Jeff & Brooks, Clem (1999). Social Cleavages and Political Change: Voter Alignments and U.S. Party Coalitions, Oxford: Oxford University Press.
- Mazie, S. V. (2006). Israel's Higher Law: Religion and Liberal Democracy in the Jewish State. Maryland: Lexington Books.
- Mazie, S. V. (2006). You Say You Want a Constitution, New York Times. Retrieved March 12, 2024 from New York Times web site: <https://www.nytimes.com/2006/03/30/opinion/you-say-you-want-a-constitution.html>
- Newton, K. and Deth, J. V. (2011). Fundamentals of Comparative Politics. Khalilollah Sardarnia (translator). Shiraz: Shiraz University Press.
- Pakdaman, M. (2019). Israel; Continuation or End: An Analysis of the Crisis-Causing Internal Disruptions in the Zionist Regime. Tehran: Andishe Sazan Noor Institute for Strategic Studies.
- Politzer, J. M. (2010). Haredi Resistance to Israeli Military Conscription Military Conscription, University of Denver.
- Pourhassan, N. & Qorashi, S. Y. (2022). The Identity Difference between American Jews and the Zionist Regime; A Political Agenda. Scientific Quarterly Journal of International Relations Studies, Volume 15, Issue 4, Serial Number 60, Winter 2022, pp. 61-85.
- Robinson, K. (2023). What to Know About the Arab Citizens of Israel, Council on Foreign Relations. Retrieved March 30, 2024 from Council on Foreign Relations web site: <https://www.cfr.org/backgrounder/what-know-about-arab-citizens-israel>

- Rosner, S., & Fuchs, C. (2019). #IsraeliJudaism: Portrait of a Cultural Revolution, Jerusalem: The Jewish People Policy Institute (JPPI).
- Saeedi, G. (2022). Israeli Political Parties. International Center for Peace Studies.
- Sahgal, N., Cooperman, A. & Schiller, A. (2016). Israel's Religiously Divided Society, Pew Research Center.
- Shahriari, A. & Jazaei, M. (2015). The contexts of the formation and growth of Islamic radicalism in Nigeria, a case study of Boko Haram. Quarterly Journal of Political and International Studies. Volume 5, No. 17.
- Skolnik, F. & Berenbaum, M. (2007). ENCYCLOPAEDIA JUDAICA, Second Edition, USA: Keter Publishing House.
- Solomin, R. M. (2023). Sephardic, Ashkenazic, Mizrahi and Ethiopian Jews, The Jewish Learning. Retrieved April 15, 2024 from The Jewish Learning web site: <https://www.myjewishlearning.com/article/sephardic-ashkenazic-mizrahi-jews-jewish-ethnic-diversity/>
- Starr, K. & Masci, D. (2016). In Israel, Jews are united by homeland but divided into very different groups, Pew Center. Retrieved January 11, 2024 from Pew Center web site: <https://www.pewresearch.org/short-reads/2016/03/08/in-israel-jews-are-united-by-homeland-but-divided-into-very-different-groups/>
- Swirski, S., et al (2022). Israel: A Social Report; The Inequality Epidemic Still Rages. Adva Center.
- Tajik, M. R. (2004). The Third Decade of Estimates and Measures (Volume One). Tehran: Presidential Strategic Studies Publications.
- The Hebrew University of Jerusalem (2013). Ashkenazi Jews. Retrieved April 11, 2024 from The Hebrew University of Jerusalem web site: <https://web.archive.org/web/20131020004618/http://hugr.huji.ac.il/AshkenaziJews.aspx>
- The Washington Institute (2023). Israel Challenges. Retrieved December 8, 2023 from Washington Institute web site: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/israels-challenges-home-and-abroad-view-opposition>
- The World Factbook (2023). Explore All Countries: Israel. Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/about/archives/2023/countries/israel/#people-and-society>
- Unterman, A. (2019). Jews, Their Religious Beliefs and Practices. Reza Farzin (translator), Qom: Religions and Denominations Publications.
- Zeidabadi, A. (2002). Religion and State in Israel. Tehran: Roznegar Publishing.

